

شرح و تفسیر موادی از قانون مجازات اسلامی

قسمت بی و هفتم

محمد علی اخوت

«وکیل پایه یک دادگستری و قاضی سابق دیوان عالی کشور»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال شانزدهم، شماره ۴۶، سال هشتم، مهر و آبان ۱۳۸۳

گفتار سوم. تأدیب

سومین علت توجیه گر ارتکاب جرم اقدامات والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین است.

به موجب بند یک ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی: «اقدامات والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب و حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف، تأدیب و محافظت باشد.» جرم شناخته نشده است.

ماده (۴۲) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و ماده (۳۲) قانون راجع به مجازات

باتوجه به بند "۳" ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی، کسانی که مشمول این بند می باشند نخست از نظر فاعل فعل ارتكابی مشمول علت موجهه، دوم، قربانیان بزه احتمالی و سوم، اعمالی که بر آنها انجام شده بررسی می شود.

۱. فاعل فعل ارتكابی

اشخاصی که مشمول بند "۳" ماده (۵۹) هستند، عبارتند از: والدین، اولیای قانونی و سرپرستان.

الف: والدین؛ منظور از والدین، پدر و مادر طفل است. به موجب ماده (۱۱۶۸) قانون مدنی، نگاهداری اطفال حق و تکلیف ابویین

اسلامی نیز به همین ترتیب تصویب شده بود.

مبنای تصویب چنین مقرره‌ای، حق تأدیب و محافظت است. وظیفه ولی یا سرپرست طفل یا محجور اقتضا می کند که در حفظ جان و مال او بکوشد و از اینکه محجور به خود یا دیگران خسارت مادی یا معنوی وارد سازد جلوگیری کند؛ و باتوجه به اینکه اذن در چیزی (محافظت، جلوگیری از ایراد خسارت) اذن در لوازم آن را نیز به همراه دارد، قانونگذار اقدامات محافظتی و تأدیبی افراد مندرج در بند مزبور را در صورتی که به جرم منتهی نشود قابل مجازات ندانسته است.

(پدرومادر) می‌باشد. این امر از سویی حق آنهاست و کسی نمی‌تواند به‌طور غیرقانونی این حق را از آنان سلب کند و از سوی دیگر، تکلیف و وظیفه‌ای است که قانونگذار به‌عهدۀ آنان قرار داده است؛ به‌طوری که به‌موجب ماده (۱۱۷۲) قانون مرقوم، هیچ‌یک از ابویین حق ندارند از نگاهداری طفل امتناع کنند.

ب. ولی قانونی؛ در قانون مدنی به‌موجب مواد (۱۱۸۰) و (۱۱۸۸) مقصود از ولی قانونی، پدر، جدپدری و وصی منصوب از طرف آنهاست که در ماده (۱۱۹۴) عنوان ولی خاص دارند.

ج. سرپرستان؛ منظور از سرپرست صغیر یا مجنون، قیم آنهاست که ولی خاص ندارند. به‌موجب ماده (۱۲۳۵) قانون مدنی: «مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است.»

باتوجه به صدر ماده، مواظبت مولی علیه به قیم سپرده شده است. بنابراین، عمل قیم در راستای تأدیب و مواظبت، چنانچه به ارتکاب جرم بیانجامد، با در نظر گرفتن شرایط دیگر، وفق بند ۲ ماده (۵۹) قانون مدنی جرم محسوب نمی‌شود. در صورت عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر، دادگاه ممکن است سرپرستی طفل را به شخص دیگری بسپارد.^(۱) این شخص هم جزء سرپرستان قانونی طفل به‌شمار خواهد آمد. آقای دکتر صانعی، اقدامات تنبیهی معلم و استاد را باتوجه به عرف و سنتهای جامعه، در حدود متعارف، مشمول علل موجهه دانسته‌اند.^(۲)

۲. مجنی علیه یا قربانی جرم

اشخاصی که ممکن است قربانی جرم واقع شوند، باتوجه به بند ۲ ماده (۵۹)، صغار و مجحورین هستند. مصادیق مجحورین باتوجه به قانون، اشخاص مجنون، اشخاص سفیه، افراد کمتر از هجده سال تمام و ورشکستگان می‌باشند.^(۳)

عمل قیم در راستای تأدیب و مواظبت، چنانچه به ارتکاب جرم بیانجامد، با در نظر گرفتن شرایط دیگر، وفق بند ۲ ماده (۵۹) قانون مدنی جرم محسوب نمی‌شود. در صورت عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر، دادگاه ممکن است سرپرستی طفل را به شخص دیگری بسپارد

کودکی که با این مفاهیم آشنایی نداشته باشد و آنها را در عمل درک نکرده باشد، وقتی در آینده وارد جامعه شد، نمی‌تواند مفهوم مجازات را آن‌طور که باید و شاید درک کند. تنبیه و تأدیب، طیف وسیعی از اعمال را دربرمی‌گیرد. تنها اعمالی که در قانون جرم شناخته شده و به‌منظور تأدیب و تنبیه اعمال می‌شوند، هدف قانونگذار در تصویب بند ۲ ماده (۵۹) می‌باشد.

تنبیه یا از جنبه بیرونی است که باید به اندازه متعارف باشد یا از جنبه درونی که قصد محافظت و تنبیه از آن برمی‌خیزد.^(۷) ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی، حق تنبیه را برای پدر و مادر به رسمیت شناخته است. به‌موجب این ماده، ابویین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند. در منابع حقوق اسلامی، ایراد ضرب برای تنبیه منع شده است.

حضرت علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «فرزندت را نزن، برای ادب کردنش از او قهر کن، ولی مواظب باش قهرت طول نکشد و زود با او آشتی کن.»^(۸) یک نویسنده انگلیسی در ارتباط با تنبیه

باتوجه به تغییراتی که در قانون مدنی به‌عمل آمده است، مقصود از طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.^(۴) بنابراین، مقصود از صغار مندرج در بند ۲ ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی، دختران کمتر از نه سال قمری و پسران کمتر از پانزده سال تمام قمری می‌باشد. اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام که باتوجه به تبصره ۲ ماده (۱۲۱۰) قانون مدنی نمی‌توان اموالشان را قبل از ثبوت رشد به آنها داد مشمول بند ۲ ماده مرقوم (ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی) نمی‌شوند. ورشکستگان و اشخاص سفیه از شمول بند مرقوم خارجند؛ زیرا اینان تنها از نظر مالی تحت سرپرستی قرار می‌گیرند.^(۵)

۳. فعل ارتكابی (تأدیب و تنبیه)

در لغت، ادب به معنای تهذیب و خودداری از ناشایستگی‌ها و تأدیب به معنای ادب کردن آمده است و تنبیه از کلمه "نبه" به معنای بیدار کردن از خواب و آگاه کردن است.^(۶)

در مورد اطفال، تنبیه و تأدیب ایشان همانند تشویق و ترغیب در شکل‌گیری شخصیت آنها دارای تأثیر به‌سزایی است.



بدنی اطفال گفته است: «توجه به مجازات عاطفی به جای مجازات بدنی و مادی، با بیدار کردن غریزه تفوق خواهی و عشق به کمال و ترس از گناه باید در او ایجاد شود، نه ترس از تنبیه؛ کتک زدن در حذرزدن به پشت یک یا چند ضربه، گاهی مؤثر است.»^(۹)

در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، درباره تنبیه اطفال بزهکار آمده بود: «هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنها ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد.»

مقرر فوق در تبصره "۲" ماده (۴۹) قانون مجازات اسلامی به صورت زیر تغییر پیدا کرده است: «هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به میزان و مصلحت باشد.»

باتوجه به تبصره فوق می توان نتیجه گرفت، در مورد اطفال غیر بزهکار، تنبیه باید خفیف تر از اطفال بزهکار باشد، ضابطه میزان و مصلحت، معیاری نوعی است که تشخیص آن به عهده دادگاهی است که به علت موجهه رسیدگی می کند. معمولاً دادگاهها در صورت شکایت مادر طفل که به عنوان قیم انفاقی

تعیین می شود، پدرانی که فرزندانشان را خارج از حدود تنبیه بدنی می کنند، با اعلام دادستان و صدور کیفرخواست تحت تعقیب قرار داده و محکوم می نمایند.

پرسشی که طرح شده این است که آیا پدر می تواند برای تنبیه فرزند نافرمان خود، از پرداخت نفقه او اجتناب کند؟ می دانیم که پدر وفق قانون مکلف به پرداخت نفقه اولاد است، امری که در صورت عدم انجام، مجازات قانونی را در پی خواهد داشت.^(۱۰)

این سؤال از مراجع عظام پرسیده شده است:

سؤال: در صورت تخلف فرزند واجب النفقه از دستورات شرعی پدر، آیا وجوب پرداخت نفقه از وی ساقط می شود؟

اکثریت قریب به اتفاق مراجعی که این پرسش از آنان به عمل آمده است در پاسخ فرموده اند که نافرمانی مسقط حق نفقه فرزند نیست.^(۱۱)

بنابراین، پدر نمی تواند به استناد بند "۳" از ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی، از مجازات بزه ترک انفاق رهایی پیدا کند. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

مصوب ۸۱/۱۱/۲، در مورد اذیت و آزار کودکان مقرراتی وضع کرده است که براساس آن: اولاً: کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام نرسیده اند را مشمول قانون دانسته است.

ثانیاً: هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمی یا روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم و روان آنها را به مخاطره اندازد ممنوع کرده. ثالثاً: ارتکاب صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی آنان و ممانعت از تحصیل آنها را مستوجب مجازات سه ماه و یک روز حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی دانسته.

رابعاً: به رغم تعیین مجازات در ماده (۷) آن قانون، آن را مشمول اقدامات تربیتی در چارچوب ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی ندانسته است. از نظر جنبه روانی مسئله (عنصر روانی) باتوجه به قید "اقدامات تربیتی" مندرج در ماده (۷) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، اقدام به تنبیه باید به انگیزه تربیت باشد، تا مشمول علت موجهه قرار گیرد. این امر از عبارت "به منظور تأدیب یا حفاظت" در بند ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی نیز پیداست.

در نتیجه، اگر اقدام به تنبیه برای انتقام جویی یا بر اثر عصبانیت پدر و مادر یا اشخاص دیگر مندرج در قانون به عمل آید، نمی تواند توجیه گر ارتکاب جرم باشد. به عبارت دیگر، عمل تنبیه باید با سبق تصمیم در حدود موازین قانونی به عمل آید تا استناد به بند مرقوم را امکان پذیر سازد. اشاره شد که آقای دکتر صانعی، استاد بزرگوار، اقدامات تنبیهی معلمان را مشمول علق موجهه دانسته اند.

ذکر این نکته ضروری است که تنبیهی که معلمان انجام می دهند هیچ گاه به معنای تنبیه بدنی نیست؛ عمل تنبیه به وسیله

تنبیه یا از جنبه بیرونی است که باید به اندازه متعارف باشد یا از جنبه درونی که قصد محافظت و تنبیه از آن برمی خیزد. ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی، حق تنبیه را برای پدر و مادر به رسمیت شناخته است. به موجب این ماده، ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند. در منابع حقوق اسلامی، ایراد ضریب برای تنبیه منع شده است





آموزگاران و دبیران تابع آیین نامه اجرایی مدارس می باشد. ماده (۷۵) این آیین نامه در مورد این گونه تنبیه ها مقرر داشته است: «تنبیه باید توجه دانش آموز را به اشتباه خود جلب و زمینه مناسب را برای ایجاد رفتار مطلوب در وی فراهم نماید. لذا اعمال تنبیه باید با توجه به یافته های علمی و استفاده از الگوهای مناسب تغییر رفتار باشد تا موجب تجری دانش آموز و اصرار وی بر تکرار اشتباه نشود.»

ماده (۷۶) آیین نامه، انواع تنبیهات را به شرح زیر بر شمرده است:

۱. تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی؛
۲. تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش آموزان کلاس مربوط؛
۳. تغییر کلاس در صورت وجود کلاس های متعدد در یک پایه با اطلاع ولی دانش آموز؛
۴. اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش آموز؛
۵. اخراج موقت با اطلاع ولی دانش آموز به مدت سه روز؛
۶. انتقال به مدرسه دیگر.

ماده (۷۶) با صراحت تنبیه بدنی را ممنوع کرده است. به موجب این ماده: «اعمال هر گونه تنبیه دیگر از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکلیف درس جهت تنبیه ممنوع

است و در اعمال تنبیهات نباید بین دانش آموزان تبعیض و استثنا قایل شد.»^(۱۲) بنا به مراتب فوق، تنبیه بدنی به وسیله معلمان از نظر مقررات اجرایی منتفی است و معلمی که مبادرت به ایراد ضرب و شتم دانش آموز کرده باشد نمی تواند به استناد بند ۲ ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی ارتکاب جرم را توجیه کرده و از مجازات برهد.

گفتار چهارم: اعمال طبی مشروع - ضمان طیب

در سلسله مقالاتی که به رشته تحریر درآمد، در جریان تفسیر ماده (۲۳) قانون مجازات، بحث رضایت مجنی علیه به طور مختصر توضیح داده شد. در این مقاله که در واقع ادامه مطلب پیشین است، در ارتباط با ضمان طیب، علت موجهه مورد بررسی قرار می گیرد. اصل بر این است که رضایت مجنی علیه یا قربانی جرم نمی تواند مسئولیت را از بین ببرد؛ زیرا مجازات تنها برای حفظ منافع خصوصی افراد نیست، بلکه حفظ نظم عمومی در این قضیه دخالت دارد.^(۱۳)

برای روشن شدن بحث، ابتدا نظریه فقهای معاصر در باب چگونگی ضمان طیب و آن گاه بررسی مختصر موضوع در حقوق

فرانسه و بالاخره نحوه نگرش قانونگذار ایران با توجه به دو مبحث قبل ذکر خواهد شد.

مبحث اول) نظر فقها در مورد ضمان طیب

۱. مرحوم "صاحب جواهر" طیب را در صورت ایراد صدمه فوت هر چند عملش با اذن بیمار یا ولی او باشد ضامن دانسته و موضوع را در مقوله شبه عمد بررسی کرده اند.^(۱۴)

۲. مرحوم "آیت اله خوئی" در کتاب "مبانی" آورده اند:

«طیب نسبت به آنچه را که خود بالمباشره برای علاج بدون اجازه بیمار (در صورت عاقل بودن بیمار) یا ولی او (در صورت جنون یا کودکی بیمار) انجام می دهد ضامن است و همچنین اگر اجازه داشته و مقصر باشد ضامن است. اگر اجازه داشته و مقصر هم نباشد دو قول وجود دارد: «قولی که قائل به ضمان است و قولی که قائل به ضمان نیست.»

در این مورد قول اول مقدم است و ضمان در هر صورت برقرار است.^(۱۵)

۳. مرحوم امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید: «طیب نسبت به آنچه بر اثر علاج او تلف شود حتی اگر اجازه داشته باشد و قاصر در علم طبابت باشد ضامن است. با فرض اینکه عالم و آگاه در علم مزبور بوده از مریض یا ولی او هم اذن گرفته باشد ضامن نیست؛ ولی نظر قوی تر آن است که از مالش ضامن است و اما اگر دوائی را وصف کرده و بگوید این دارو برای معالجه مرض فلانی مفید است یا دوائی [این] مریض فلان داروست بدون اینکه امر به استفاده از آن کند، ضامن نیست.»^(۱۶)

مرحوم "صاحب جواهر" برای نظر خویش به قاعده اتلاف (اصل وجود ضمان بر اتلاف کننده)، عدم بطلان خون مسلمان توسط جسته و اضافه نموده اند که در صورت اذن، اذن در اتلاف نبوده بلکه اذن در معالجه

اگر اقدام به تنبیه برای انتقام جویی یا بر اثر عصبانیت پدر و مادر یا اشخاص دیگر مندرج در قانون به عمل آید، نمی تواند توجیه گر ارتکاب جرم باشد. به عبارت دیگر، عمل تنبیه باید با سبق تصمیم در حدود موازین قانونی به عمل آید

به دست می آید.

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۱. ر.ک: ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.
۲. دکتر صانعی، پرویز، جزای عمومی، جلد یکم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۵۲.
۳. ترمینولوژی حقوق، دکتر محمدجعفر لنگرودی، ذیل کلمه محجور.
۴. ر.ک: تبصره (۱) ماده (۱۲۱۰) قانون مدنی اصلاحی ۱۳۷۰ و نیز به مقاله کودکی، نوشته نگارنده، شماره ۳۲ مجله دادرسی.
۵. ر.ک: مواد (۱۲۱۰) قانون مدنی و (۴۱۸) قانون مجازات.
۶. المنجد و فرهنگ جیبی خلیلی، ذیل کلمات نیه و ادب.
۷. کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، در تفسیر ماده (۱۱۷۹).
۸. مدیرنیاه، سیدجواد، حقوق کودک، حضانت اطفال در حقوق ایران، اسلام و فرانسه. چاپخانه اتحاد، تهران، ۱۳۵۳، به نقل از غررالحکم.
۹. همان مرجع، صص ۹۴ و ۹۵.
۱۰. ماده (۱۱۹۹) قانون مدنی: «نفقه اولاد برعهده پدر است.» ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید.»
۱۱. مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، قم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹.
۱۲. ر.ک، مجله دادرسی، شماره ۲۳، گذشت مجنی علیه.
۱۳. دکتر علی آبادی، حقوقی جنایی، جلد اول، ص ۲۴۹.
۱۴. جواهرالکلام، جلد ۴۲، ص ۴۶، کتاب دیات، چاپ قم.
۱۵. مبانی تکلمه المنهاج، چاپ نجف، جلد دوم، ص ۲۲۱.
۱۶. تحریرالوسیله، چاپ نجف، جلد دوم، ص ۵۶۰.
۱۷. جواهرالکلام، همان، ص ۴۶.
۱۸. محقق داماد، دکتر سیدمصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، ص ۱۱۵.
۱۹. گرجی، دکتر ابوالقاسم، تقریرات درس فقه جزایی، کارشناس ارشد، دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۰.
۲۰. کاتوزیان، دکتر ناصر، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۷.

تنبیه بدنی به وسیله معلمان از نظر مقررات اجرایی منتفی است و معلمی که مبادرت به ایراد ضرب و شتم دانش آموز کرده باشد نمی تواند به استناد بند "۳" ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی ارتکاب جرم را توجیه کرده و از مجازات برهد

نشده تا نسبت به عواقب آن بتوان برائت گرفت؛ اما چون سبب برائت ایجاد شده و روایت آن را تجویز کرده است به آن عمل می کنیم.^(۱۹)

آقای دکتر کاتوزیان، از میان منابع و مبانی مسئولیت در حقوق اسلامی چنین نتیجه گرفته اند: «در این نظام حقوقی، جبران خسارت زیان دیده بیش از مکافات دادن به عامل آن مورد توجه است. قانونگذار هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی گذارد، هر چند عامل ورود آن مقصر نیز نباشد. منتها با در نظر گرفتن نکته ای که ضرر در صورتی جبران می شود که ناروا و غیر عادلانه باشد، لزوم ناروایی ضرر بیشتر موارد ایجاب می کند که واردکننده زیان مقصر باشد و گاه بدون تقصیر نیز این شرط تحقق می یابد.» و اضافه می نمایند: «در اسلام همین اندازه که از نظر عرف بتوان ضرر ناروایی را به کسی نسبت داد او ضامن جبران خسارت می شود.»^(۲۰) چنین به نظر می رسد که فعل طیب غیر مقصر که منجر به تلف یا نقص عضو شده، نمی تواند عنوان مجرمانه داشته باشد و این معنا از عبارت امام خمینی (ره) در "تحریرالوسیله" می فرماید: «طیب از مالش ضامن است»

است.^(۱۷) آقای دکتر محقق داماد درباره اتلاف آورده اند: «اراده و عزم نسبت به اتلاف و تعدد به اضرار به غیر ضروری نیست، بلکه فاعلیت در عمل و تحقق انتساب در ارتباط با تلف لازم است.»^(۱۸)

از کلام فقها چنین برمی آید که برای وجود ضمان طیب صرف "استناد" به فعل طیب کافی است.

مخالفین به قاعده احسان، به اینکه عمل طیب مقدمه حفظ نفس محترمه است استناد کرده اند. اما چنان که گفتیم، فقهایی که نظرشان مبنای تصویب مواد قانون مجازات اسلامی در مورد ضمان طیب بوده است همگی طیب را در صورت اذن و تقصیر و عدم آن و بدون اذن با توجه به قاعده اتلاف ضامن دانسته اند. تنها راهی که برای طیب برای گریز از پرداخت دیه در فقه وجود دارد اخذ برائت قبل از درمان است.

مبنای برائت در این خصوص معتبره سکونی است. به موجب این حدیث مروی از امام صادق (ع): «هرکس طبابت کند یا بیطاری نماید از ولی برائت بگیرد و الا ضامن است.» یا قبول برائت، اسقاط مالم یجب لازم می آید. به این معنا که هنوز عملی انجام